



۱۴

مرا به خاطرت نگه دار...



بوی گلپر عطر خاک

۱۶



۱۵

شایعه همکاری آئودی باریماک برای جایگزین آره

زندگی

پنجشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۵۷



یاری‌گردیگران باشیم

کمتر کسی است که در زندگی اجتماعی خود بتواند ادعا کند که نیاز به دیگران ندارد. چرا که انسان موجودی اجتماعی است و داشتن ارتباط اجتماعی با دیگران که جنبه انسانی هم داشته باشد از جمله نیازهای بشر بوده و هست و در چنین شرایطی است که افراد پشتوانه‌های اجتماعی را در زندگی خود احساس می‌کنند و تنهایی و بی‌تفاوتی کمتر نمود عینی پیدا می‌کند. اعتماد به نفس افراد بالا می‌رود که خود می‌تواند قابلیت‌های افراد را هم افزایش دهد. به همین دلیل ما انسان‌ها نیاز داریم که دیگران به ما توجه کنند و عکس آن هم صادق است. برای داشتن روابط انسانی پایدار، نمی‌توانیم نسبت به دیگران بی‌تفاوت باشیم. لذا یکی از وجوه این نوع روابط انسانی در زندگی اجتماعی، این است که باید به فکر دیگران هم باشیم. برای من و سایر همکاران در حوزه مددکاری اجتماعی اهمیت این موضوع و مشارکت اجتماعی بسیار ملموس است چرا که معتقدیم در سایه این توجه و مسؤولیت‌پذیری در قبال دیگر همونان، جامعه‌ای خواهیم داشت که در آن مردم دغدغه‌های کمتری خواهند داشت و شرایط به زیستن اجتماعی را بیش از پیش تجربه خواهند کرد. در استان مازندران رسمی وجود داشت به نام «بنواز» که از نوازش کردن می‌آمد؛ البته شبیه این در سایر اقوام ایرانی هم وجود داشت. یعنی اگر فردی به هر دلیلی دچار مشکل می‌شد مردم بدون این که کسی از آنها بخواهد خود را نسبت به او مسؤول می‌دانستند و نانوشته بدون چشم داشت به او کمک می‌کردند تا مبادا برای ادامه حیات و... دچار مشکل شود. این نوع رابطه با دیگران در نهایت برای انسان کمک‌کننده هم کارگروهایی دارد. از احساس رضایت از خود گرفته تا این که اگر به هر دلیلی او دچار مشکلی شده، پشتوانه مهمی به نام مردم را دارد که تنها پیش می‌گذارند.

این ذات زندگی اجتماعی است و چه زیباست که زندگی خود را این‌گونه مدیریت کنیم تا همه با هم از زندگی لذت ببریم. مهم‌ترین دلیل شاید این باشد که ما همه به همدیگر نیاز داریم و رفع نیازها و مشکلات بدون توجه افراد به یکدیگر امکان‌پذیر نبوده یا دشوار است. نکته‌ای که امام علی(ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر تاکید می‌کند هم گویای همین نیاز متقابل به یکدیگر است: «ای مالک! بدان مردم از گروه‌های گوناگون می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگری نیاز نیست». فراموش نکنیم که انسان بدون توجه به دیگران «اجتماعی» نخواهد شد. این که در فرهنگ عامه گفته می‌شود «دستی که کمک می‌کند، دستانی که برای دعا بالا می‌روند مقدس‌تر است» خود گویای اهمیت یاری‌گری دیگران است. پس بیاییم در این دنیای زودگذر با توجه به نیازها و مشکلات دیگران راه و رسم خوب زیستن را در جامعه نهادینه کنیم.



تسهیل‌گران بنیاد برکت در مناطق محروم کردستان، راه بهتر زندگی کردن را به مردم می‌آموزند

زندگی شیرین می‌شود



که دارند یاد می‌گیرند پشت هم باشند. یاد می‌گیرند اگر کسی خواست شغلش را تعطیل کند یا قید خانه و کاشانه را بزند و مهاجرت کند، مانعش شوند. آنها به همت تسهیل‌گران دارند می‌آموزند که اگر آب نیست و خشکسالی به سرزمین مادری جنگ انداخته زندگی باز هم جریان دارد و نباید دست از تلاش کشید. در بیجار و سروآباد صندوق‌های پشتیبان کسب و کار ایجاد شده که همین مردم با هدف پشت یکدیگر بودن راهش انداخته‌اند و وقتی یکی از اهالی کم‌بیاورد این صندوق حمایتش می‌کند. این صندوق، یاروهای سخت است در واقع، همه روزهایی که مردم این دیار مجبور بودند اگر کسین مریض می‌شد می‌رفتند سراغ کمیته امداد یا مرد خانه می‌رفت به شهر برای کارگری که پولی جمع کند. حالا ولی این صندوق این خرده‌خرج‌ها را تامین می‌کند و در روزهای سخت، دست مردم را در دست هم می‌گذارند. این چنین است که در بیجار و سروآباد و روستاهایش حالا مردم زیادی صاحب شغل شده‌اند و قید مهاجرت زاده‌اند. اینها دست به کار پروراندی دام‌های سبک و سنگین، پرورش شترمرغ، زنبورعسل و تولید فرش دستباف و گیوه هستند، عده‌ای نیز مغازه جوشکاری، کافی‌نت، تعمیرگاه موبایل و فروشگاه پوشاک دارند. گیوه‌گردستان مشهور است، مثل فرش دستباف بیجار که هم مشهور است و هم بیرون مرزها خواهان زیاد دارد. خانواده‌ای که قبل از ورود تسهیل‌گران مجبور بود برای دلالت گیوه کار کنند حالا چون راه کسب و کار را موخته‌اند و گیوه‌هایشان تضمینی برای عراق صادر می‌شود، مستقل شده و خودشان شده‌اند تولیدکننده و صادرکننده با درآمدی چند برابر قبل.

برای فرش بیجار هم همین اتفاق افتاده. مردم بیجار به جای این که مثل قبل برای تامین مواد اولیه نیازمند دیگران باشند، حالا به همت تسهیل‌گران، صاحب زنجیره تولید مواد اولیه‌اند با کالی شغل که در این زنجیره ایجاد شده است. بخشی از مردم بیجار دام پرورش می‌دهند و پشم تولید می‌کنند، بخشی از آنها دست به کار تولید نخ ابریشم‌اند، کارگاه‌های نخ‌ریسی همه خانگی هستند، نخ‌ها هم در خانه رنگ می‌شود. بعد هم که فرش‌ها در خانه‌ها بافته شده و می‌رود برای صادرات. این چنین مجموعه‌ای از مشاغل در بیجار پایدار شده است. در سروآباد اما بآن اوارمان مشهورش که بهشت ایران است در کردستان، جمعی از مردم محلی می‌خواهند در حوزه گردشگری مشغول شوند، تعدادی با راه‌اندازی رستوران، عده‌ای با راه‌اندازی خانه‌های بومگردی و برخی با به آب انداختن قایق‌های تفریحی در دریاچه سد داریان. محمدی اما می‌گوید برای این که موفقیت این کسب و کارها تضمین شده و حتمی باشد گروه تسهیلگری این شهرستان دارد مطالعه می‌کند و همه جوانب را می‌سنجد تا اگر کسی کسب و کارش را در حوزه گردشگری تعریف کرد، گرفتار پیش‌بینی نشده‌ها نشود و شکست نخورد.

محمدی دو سالی است که با فرماندهی بنیاد برکت به مناطق محروم کشور و عمدتاً روستاهای جامانده از توسعه می‌روند تا مردم گرفتار در مشکلات را راهنمایی کنند، یعنی هم راه را نشان‌شان بدهند و هم در راه رسیدن به هدف کمک‌شان کنند. تسهیلگر در واقع جاده صاف کن است، یک راهنما و یک دستگیر، کسی که شغل مناسب افراد را به آنها پیشنهاد می‌دهد و تا جان گرفتن این شغل و درآمد زاشدنش کنار افراد می‌ماند. تسهیل‌گر، کمک می‌کند تا کسب و کارهای در حال نابودی نیز احیا شود، مثل یک ناوانی که ساختمان و تجهیزاتش به شدت فرسوده شده بود و در منطقه‌ای که حداقل ۳۰۰۰ نفر ساکن داشت، می‌رفت که تعطیل شود اما تسهیل‌گران کمکش کردند نوسازی شود و دوباره به شود یک ناوانی سرحال و روی پا. محمدی می‌گوید در این ناوانی حالا برای سه نفر شغل پایدار وجود دارد و وضعیت این کسب و کار شبیه یکی دیگر از اهالی شده که پرورش شترمرغ داشت و در کارش خیره بود، ولی دستگاه جوجه‌کشی نداشت که با کمک تسهیل‌گران بنیاد برکت، توانست دستگاه جوجه‌کشی بخرد و زنجیره تولید شترمرغ از ابتدا تا انتها را در اختیار بگیرد.



مردم روستاهای بیجار و سروآباد حدود یک سال است



تسهیل‌گران بنیاد برکت در مناطق محروم کردستان، راه بهتر زندگی کردن را به مردم می‌آموزند



شهر است، دامداری در آن شدنی نیست. این نیز مشکل دیگر سروآباد است که معیشت مردمانش را سخت کرده است. مهاجرت بی‌دلیل نیست که مهم‌ترین مشکل این مردمان شده و شغل بی‌علت نیست که مهم‌ترین مطالبه این مردم است، بیجار و سروآبادی که روزی روزگاری نه چندان دور برو و بیایی داشته‌اند و اگر لااقل بشوند همانی که قبلاً بوده‌اند، چالش اشتغال و مهاجرتشان برطرف می‌شود.



بنیاد برکت در بیجار و سروآباد مدتی است دارد حرف‌های نو می‌زند. نیروهای بومی بنیاد که عنوان‌شان «تسهیل‌گر» است، دارند سرمی‌زند به بی‌شمار روستای این حوالی و حرف از توسعه پایدار و محرومیت‌زدایی می‌زنند. در پیشانی این حرکت، جوانی ۳۱ ساله ایستاده که نامش کامبیز محمدی است و فارغ از کارشناسی مهندسی صنایع یک تسهیل‌گر بانگیزه است. او اصالتاً سندیچی است ولی به بیجار و سروآباد آمده، چون بهتر از هر کسی می‌داند این تکه ۹۰۰۰ کیلومتر مربعی از خاک کشور تا چه اندازه محتاج حمایت است، بیشتر هم حمایت‌های معنوی و از جنس راه نشان دادن و دستگیری به وقت مشکلات. تسهیل‌گر شاید لقب کمتر شنیده شده‌ای باشد، ولی تسهیل‌گرانی مثل کامبیز

بیجار و سروآباد در کردستان دو نقطه ویژه‌اند. در اطلس محرومیت کشور این دو را محروم دانسته‌اند، محروم با همه ابعادش. بیجار و سروآباد رشد معکوس جمعیت دارند یعنی اگر بقیه جاها سال به سال جمعیت‌شان بیشتر می‌شود در این دو شهر هر سال آمار آدم‌های ساکن آب می‌رود و خود شهر و روستاهایش خالی و خالی‌تر می‌شوند. بیجار ۷۷۳۰ کیلومتر مربعی و سروآباد ۱۲۰۰ کیلومتر مربعی روی هم ۳۳۵ روستای هنوز زنده دارند که اگر دیر چنبد شود شاید طبق همین روال دیگر زنده نباشند. بیجار شهر مرتفعی است، سروآباد اما پایین‌تر از آن است و تقریباً هم ارتفاع شهرهای قروه و دهگلان. این ارتفاع سطح به ضرر بیجار تمام شده است. چالش، چالش آب است که پایین دستی‌ها از بالادست پمپاژ می‌کنند و مایه حیات را می‌کشند سمت سروآباد. در این سال‌ها که خشکسالی حتی به کردستان سرسبز نیز رحم نکرده، وضع بیجار به واسطه این چاه‌های عمیق و خیم شده و کشاورزی مختصر و سنتی‌اش بی‌رمق‌تر شده است. مردم بیجار به رسم دیرینه خود گندم دیم می‌کارند که به شدت محتاج بارش است، خشکسالی اما امان این کشت و زرع را بریده طوری که از هر هکتار آن بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان حاصل نمی‌شود. کلاف خشکسالی در این دیار سر دراز دارد و بیجار همیشه از کمبود آب رنج برده است. بیجاری که در جنگ جهانی اول به اشغال قوای بیگانه درآمد و مجبور شد غلات و حبوباتش را به روس‌های مهاجم تقدیم کند، بعد از این که به دست ترک‌ها از دست روس‌ها خلاص شد، دیری نگذشت که گرفتار یک خشکسالی بزرگ شد. سال ۱۹۱۸ بود، تاریخ می‌گوید نزدیک به روزی ۲۰۰ نفر در بیجار از شدت خشکسالی و گرسنگی جان می‌دادند و این چنین شد که بیجار هیچ وقت نتوانست به رونق سال‌های قبل از جنگ جهانی برگردد. در سروآباد اما ماجرا کمی متفاوت‌تر است. در این دیار دره‌ها چنان عمیق‌اند که جابری زمین‌های مسطح قابل کشت باقی نگذاشته‌اند، زمین هم اگر هست اندک است و آدم‌هایی که چشم به محصولش دوخته‌اند زیاد. بیشتر سروآبادی‌ها باغ دارند، باغ انار، انجیر، گردو و بادام، برخی‌ها نیز زمین‌های توت فرنگی. سرما ولی بلای جان این زراعت‌های مختصر است. سرماهای تندی که معمولاً در اردیبهشت گریبان بسیاری از باغات را می‌گیرد و شکوفه درختان را خشک می‌کند، درآمد باغداران سروآبادی را ناچیز کرده است. در تقسیمات کشوری، سروآباد را شهرستان‌اند، ولی محیط روستایی‌اش آن را به شهر بی‌ربط کرده، به خصوص که مردمانش به عادت دیرین هنوز مایلند دامداری کنند، ولی چون سروآباد اسمش



مریم خباز
جامعه

بیجار و سروآباد در کردستان دو نقطه ویژه‌اند. در اطلس محرومیت کشور این دو را محروم دانسته‌اند، محروم با همه ابعادش. بیجار و سروآباد رشد معکوس جمعیت دارند یعنی اگر بقیه جاها سال به سال جمعیت‌شان بیشتر می‌شود در این دو شهر هر سال آمار آدم‌های ساکن آب می‌رود و خود شهر و روستاهایش خالی و خالی‌تر می‌شوند. بیجار ۷۷۳۰ کیلومتر مربعی و سروآباد ۱۲۰۰ کیلومتر مربعی روی هم ۳۳۵ روستای هنوز زنده دارند که اگر دیر چنبد شود شاید طبق همین روال دیگر زنده نباشند. بیجار شهر مرتفعی است، سروآباد اما پایین‌تر از آن است و تقریباً هم ارتفاع شهرهای قروه و دهگلان. این ارتفاع سطح به ضرر بیجار تمام شده است. چالش، چالش آب است که پایین دستی‌ها از بالادست پمپاژ می‌کنند و مایه حیات را می‌کشند سمت سروآباد. در این سال‌ها که خشکسالی حتی به کردستان سرسبز نیز رحم نکرده، وضع بیجار به واسطه این چاه‌های عمیق و خیم شده و کشاورزی مختصر و سنتی‌اش بی‌رمق‌تر شده است. مردم بیجار به رسم دیرینه خود گندم دیم می‌کارند که به شدت محتاج بارش است، خشکسالی اما امان این کشت و زرع را بریده طوری که از هر هکتار آن بیش از یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان حاصل نمی‌شود. کلاف خشکسالی در این دیار سر دراز دارد و بیجار همیشه از کمبود آب رنج برده است. بیجاری که در جنگ جهانی اول به اشغال قوای بیگانه درآمد و مجبور شد غلات و حبوباتش را به روس‌های مهاجم تقدیم کند، بعد از این که به دست ترک‌ها از دست روس‌ها خلاص شد، دیری نگذشت که گرفتار یک خشکسالی بزرگ شد. سال ۱۹۱۸ بود، تاریخ می‌گوید نزدیک به روزی ۲۰۰ نفر در بیجار از شدت خشکسالی و گرسنگی جان می‌دادند و این چنین شد که بیجار هیچ وقت نتوانست به رونق سال‌های قبل از جنگ جهانی برگردد. در سروآباد اما ماجرا کمی متفاوت‌تر است. در این دیار دره‌ها چنان عمیق‌اند که جابری زمین‌های مسطح قابل کشت باقی نگذاشته‌اند، زمین هم اگر هست اندک است و آدم‌هایی که چشم به محصولش دوخته‌اند زیاد. بیشتر سروآبادی‌ها باغ دارند، باغ انار، انجیر، گردو و بادام، برخی‌ها نیز زمین‌های توت فرنگی. سرما ولی بلای جان این زراعت‌های مختصر است. سرماهای تندی که معمولاً در اردیبهشت گریبان بسیاری از باغات را می‌گیرد و شکوفه درختان را خشک می‌کند، درآمد باغداران سروآبادی را ناچیز کرده است. در تقسیمات کشوری، سروآباد را شهرستان‌اند، ولی محیط روستایی‌اش آن را به شهر بی‌ربط کرده، به خصوص که مردمانش به عادت دیرین هنوز مایلند دامداری کنند، ولی چون سروآباد اسمش



info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۱۴۷

#وعده-خودروساز

ناصری از تهران:

بیش از یک سال از موعد تحویل خودروی ثبت‌نامی‌ام گذشته و متأسفانه خودروسازان هنوز به وعده‌های خود عمل نکرده‌اند.

#قطعی-آب-شیراز

فرهانی از شیراز:

با توجه به بارش‌های فراوان اخیر در شیراز، چرا آب شرب این شهرگاهی قطع می‌شود و اکثر اوقات افت فشار دارد؟

#تاکسی-فرسوده

خدایی از شهریار:

تاکسی‌های فرسوده بسیاری که عمر آنان از ده سال گذشته و باید تعویض و نوسازی شود در صف انتظار هستند و خودروسازان که موظف به همکاری و حمایت هستند، کمکی به متقاضیان نمی‌کنند.

#موانع-تولید

کیا از تهران:

از دولت محترم درخواست می‌شود موانع تولید را حذف کند تا سرمایه‌گذاران به راحتی فعالیت کنند و در اشتغال زایی سهم به سزایی داشته باشند.

#یارانه-ثروتمندان

عباسی از یزد:

با وجود اعلام چند باره دولت درباره حذف یارانه پردرآمدها ولی این افراد کماکان یارانه دریافت می‌کنند و دولت اقدامی بابت حذف یارانه این افراد صورت نداده است.

#ضامن-وام-زدواج

طاهری از تهران:

با این که بانک مرکزی بارها اعلام کرد برای وام ازدواج فقط یک ضامن کافی است ولی برخی شعب بانک‌ها به این قانون پایبند نیستند و درخواست چند ضامن را دارند. علاوه بر این هزینه‌های زندگی آنقدر افزایش داشته است که جوانان از ازدواج فراری شده‌اند. به همین دلیل مدیران کشور باید فکری برای حل مشکلات جوانان کنند.

#دلالت-گوشت قرمز

گل‌آزاد از تهران:

گوشت قرمز در دامداری‌ها کمتر از ۳۰ هزار تومان به فروش می‌رسد ولی طمع دلالت باعث شده قیمت گوشت در بازار به ۱۰۰ هزار تومان برسد.

#فقر-رفاهی-منطقه ۲۲

لواسانی از تهران:

منطقه ۲۲ تهران با توجه به رشد جمعیتی آن و مهاجرت بسیاری از مردم به این منطقه، امکانات رفاهی و اولیه ندارد و نیاز به رسیدگی ویژه از طرف شهرداری دارد.